



باسمه تعالی

شیوه نامه اجرایی کرسی های ترویجی

در راستای حسن اجرای آیین نامه برگزاری کرسی های ترویجی مصوب ۱۳۹۵/۸/۱۰ مجمع هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره، شیوه نامه اجرایی شامل اهداف و وظایف کمیته های دستگاهی، مدارک و مستندات برای صدور گواهی و فرم های مورد استفاده به شرح زیر می باشد.

اهداف کرسی های ترویجی

۱. بسط و گسترش فرهنگ نواندیشی و نوآوری دانش در مراکز علمی و پژوهشی
۲. گفتمان سازی، بستر سازی و تمرین نقد علمی، مناظرات علمی و نظریه پردازی
۳. گسترش فضای عقلانیت و نهادینه سازی فرهنگ تضارب آراء
۴. ترویج نشاط علمی و شجاعت نوآوری، نقد، مناظره و نظریه پردازی
۵. توانمند سازی مراکز علمی در برگزاری کرسی های علمی

خط مشی کرسی های ترویجی

- ۱- مسئولیت ارزیابی محتوای کرسی های ترویجی و نیز نظارت بر اجرای آن بر عهده کمیته دستگاهی است،
- ۲- در فرایند برگزاری کرسی باید استانداردهای علمی رعایت شود،
- ۳- سه اصل اخلاق، منطق و آزادی بیان در نقد و نقل آراء، اشخاص و آثار سرلوحه قراردادده شود،
- ۴- در مباحثات از ورود به نزاع های غیر علمی و شخصی پرهیز شود،
- ۵- مسئله محوری، نیاز محوری، و تولید دانش نوین و سودمند مورد تأکید است.

وظایف کمیته دستگاهی

- ۱- دریافت طرحنامه و مستندات: ۱- متن کرسی ترویجی در قالب فایل ورد و پی دی اف؛ ۲- رزومه علمی ارائه دهنده؛ ۳- مشخصات فردی ارائه دهنده (نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، رتبه علمی، دانشگاه/ موسسه محل اشتغال، شماره همراه و ایمیل و فایل عکس ارائه دهنده).
 - ۲- ارزیابی اولیه: ۱- انتخاب ارزیاب و انجام ارزیابی از سوی حداقل دو نفر (حداقل همتراز علمی با ارائه دهنده و در رشته تخصصی موضوع و تکمیل فرم ارزیابی)؛ ۲- ارزیاب می تواند از خارج از دانشگاه/موسسه ارائه دهنده کرسی ترویجی هم انتخاب شود؛ ۳- در صورت تأیید طرحنامه، جلسه کرسی ترویجی قابل برگزاری است.
 - ۳- انتخاب ناقد(ین): ۱- انتخاب ناقد(ین) با حداقل همتراز علمی با ارائه دهنده و در رشته تخصصی موضوع، ۲- ناقد(ین) می تواند از خارج از دانشگاه/موسسه ارائه دهنده کرسی ترویجی هم انتخاب شود. ۳- تکمیل فرم ارزیابی از سوی ناقد(ین)
 - ۴- برگزاری کرسی: ۱- اعلام عمومی در پورتال دانشگاه و سایر روش های اطلاع رسانی، ۲- برگزاری عمومی و حضوری کرسی (شامل ارائه طرحنامه، نقد ناقد(ین)، سوالات حاضرین و پاسخ ارائه دهنده و جمع بندی)، ۳- تهیه گزارش برگزاری کرسی.
 - ۵- ارائه گزارش: ۱- تأیید برگزاری کرسی از سوی کمیته دستگاهی، ۲- قرار دادن متن کرسی ترویجی در پورتال دانشگاه/موسسه، ۳- ارسال مستندات و پیش نویس گواهی به دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره.
- توجه: مراکزی که کمیته دستگاهی ندارند، موارد فوق الذکر توسط نزدیکترین یا مرتبط ترین کمیته دستگاهی قابل انجام است.

معیارهای تأیید کرسی ترویجی:

۱. موضوع کرسی در تخصص و مسیر مطالعاتی و پژوهشی ارائه دهنده کرسی ترویجی باشد.
 ۲. محتوای کرسی حرف نویی داشته باشد و موضوع نویی را ارائه داده باشد.
 ۳. حاصل مطالعات علمی و پژوهشی باشد.
- مستندات لازم برای صدور گواهی: برای صدور گواهی برگزاری کرسی ترویجی، لازم است مستندات زیر بصورت فایل نرم افزاری به دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره ارسال شود:
۱. متن کرسی ترویجی (فرم الف)
 ۲. گزارش کمیته دستگاهی (فرم ج)
 ۳. فایل اکسل تکمیل شده
 ۴. فرم تکمیل شده گواهی کرسی ترویجی (فرم گواهی به زبان فارسی خواهد بود، و برای ارائه دهندگان خارجی، می تواند به زبان اصلی باشد)



باسمه تعالی

فرم‌های مورد استفاده

الف - فرم متن کرسی ترویجی:

۱- مشخصات ارائه دهنده (گان):

نام و نام خانوادگی:	جواد نظری مقدم
میزان تحصیلات:	دکتری
رشته تحصیلی:	فرهنگ و ارتباطات
مرتبه علمی:	استادیار
نام و آدرس محل اشتغال:	دانشگاه گیلان، پژوهشکده گیلان شناسی
شماره تلفن:	۰۹۱۱۲۳۲۶۴۷۹
آدرس ایمیل:	j.nazaris@gmail.com
شناسه ORCID :	

۲- عنوان کرسی:

عنوان فارسی: تأملی در باب چگونگی واکنش مردم گیلان در برابر قانون کشف حجاب در دوره پهلوی
عنوان انگلیسی: A reflection on how the people of Gilan reacted to the veil removal law in the Pahlavi period
عنوان عربی: تأمل فی رد فعل أهل جیلان علی قانون خلع الحجاب فی العهد البهلوی

۳- متن کرسی ترویجی: (آن دسته از ارائه دهندگان کرسی ترویجی یا دانشگاه یا موسسه‌ای که کرسی در آن برگزار می‌شود به

زبان غیرفارسی هستند، می‌توانند متن کرسی را به زبان اصلی ارائه دهند)

۱-۳ شرح موضوع: بطور دقیق و علمی شرح داده شود

دولت پهلوی به مثابه الگوی جدیدی از ساختار سیاسی در تاریخ معاصر ایران که از همراهی و پشتیبانی بخشی از جامعه روشنفکری و تجددخواه برخوردار بود، تلاش داشت تا با انجام اصلاحات فرهنگی زمینه مدرن‌سازی جامعه ایرانی و در نتیجه تغییر فرهنگی و هویتی و حذف سنت و ارزش‌ها و هنجارهایی که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایرانیان در طول قرن‌ها داشته را فراهم نماید. رضاشاه، سنت را یکی از مهمترین موانع توسعه جامعه ایرانی می‌دانست لذا در صدد حذف بسیاری از مظاهر دینی و سنتی برآمد. بر این اساس، تغییر لباس و کشف حجاب زنان، از جمله اقدامات فرهنگی بود که در دستور کار دولت پهلوی اول قرار گرفت.

جریان منورالفکری و متجدد به عنوان مهمترین پشتوانه‌های فکری و فرهنگی دولت پهلوی سنت و فرهنگ دینی جامعه ایرانی را مورد نقد قرار داده و حجاب را یکی از موانع پیشرفت معرفی می‌نمودند. سرودن اشعاری با مضمون ضد حجاب و نشر آن در جرائد و مطبوعات، تولید آثار هنری و تشکیل کانون‌ها و تشکلهایی ویژه زنان با هدف آشنایی هر چه بیشتر زنان ایرانی با فرهنگ و هویت زنان غربی، برگزاری برخی محافل مختلط و اجرای برنامه‌ها و جشن‌ها در مدارس دخترانه با حضور مسئولان دولتی و دیگر اقدامات فرهنگی زمینه‌های رواج بی‌حجابی در میان بخشی از جامعه ایرانی را فراهم نمود. اما می‌توان گفت سفر رضاشاه به ترکیه نقطه عطفی

در تاریخ کشف حجاب در ایران به شمار می‌رود و به دنبال سفر رضاشاه به ترکیه و تأثیرپذیری از آتاتورک عزم حکومت جهت رفع حجاب در ایران جزم گردید.

در راستای اجرای سیاست کشف حجاب، فرمان‌ها و دستورالعمل‌هایی جهت ممانعت از پوشش چادر و لباس‌های سنتی و حجاب در مدارس و مجالس و معابر عمومی ابلاغ گردید تلاش شد تا با اعمال زور و اجبار از سوی حکومت زمینه کشف حجاب و تغییر لباس زنان در سطح وسیعی در سراسر کشور فراهم شود. اگر این دست اقدامات و اصلاحات اجتماعی پهلوی مورد پذیرش بخشی از نوگرایان و روشنفکران قرار گرفت اما به دلیل شرایط فرهنگی و ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه ایرانی با مقاومت بخش قابل توجهی از مردم و علما روبرو شد و عملاً به شکست انجامید. در بسیاری از شهرهای ایران اعتراضاتی در جهت مقابله با این سیاست اجباری و مغایر با ارزش‌های دینی و سنتی صورت گرفت. علما و مردم گیلان نیز همچون بسیاری از مردم شهرهای دیگر ایران در برابر این اقدام دولت ایستادند.

اما برخی از مطالعات حوزه تاریخ اجتماعی گیلان بدون استناد به منابع و شواهد تاریخی روشن بر این نکته تأکید دارند که قانون کشف حجاب در دوره پهلوی اول با سهولت و سرعت بیشتری در مقایسه با دیگر مناطق ایران مورد پذیرش عموم مردم گیلان قرار گرفته و یکی از مهمترین دلایل عدم واکنش علما و روحانیون گیلان با قانون کشف حجاب و همراهی آنان با این سیاست فرهنگی پهلوی اول جستجو نمود.

با نگاهی بر اسناد بر جای مانده از دوره پهلوی می‌توان دریافت که چگونگی مواجهه مردم گیلان با این سیاست فرهنگی پهلوی در اسناد حکومتی دوره پهلوی بازتاب پیدا کرده است. مطالعه این بخش از تاریخ معاصر ایران تصویر روشنی از سیاست‌های فرهنگی دوره پهلوی و چگونگی مواجهه جامعه ایرانی با آن را ارائه می‌کند. پژوهش حاضر تلاش دارد تا به این پرسش پاسخ دهد: ۱. واکنش علمای گیلانی در برابر اجرای سیاست کشف حجاب در گیلان چگونه بوده است؟ ۲. با اتکا بر اسناد تاریخی، واکنش مردم گیلان در دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم در برابر سیاست کشف حجاب چگونه بوده است؟

۲-۳ سوابق دانشی: تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟

پناهی و حنیفه (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی واکنش مردم شهرهای رشت، لاهیجان و بندر پهلوی (انزلی) در گیلان در برابر اجرای قانون اتحاد لباس و کشف حجاب از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ پرداختند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که قانون کشف حجاب در گیلان با مقاومت چندانی از سوی مردم گیلان روبرو نشد و به سرعت بیشتری مورد پذیرش جامعه قرار گرفت. عامل اصلی در پذیرش این قوانین در گیلان، همراهی روحانیان و بزرگان شهرهای آن با برنامه‌ها دولت و آشنایی مردم گیلان با فرهنگ اروپایی بود.

پژوهش زندیه و اسرافیلیان (۱۳۹۹) با تمرکز بر موضوع کشف حجاب در ایالت استرآباد به عنوان یکی از مناطق شمالی ایران و واکنش‌های مردم گرگان در دوره پهلوی و نیز پیامدهای آن انجام یافته است. نویسندگان مقاله با استناد به گزارش‌های اسناد نتیجه گرفته‌اند که با وجود واکنش‌های منفی برخی از مردم، نهضت کشف حجاب در ایالت استرآباد با واکنش تندی از سوی جامعه روبرو نگردید.

عبداللهی (۱۳۹۶) در پژوهش خود ضمن معرفی آیت‌الله نجفی جیلانی (گیلانی) نویسنده کتاب «وسيله العفاف يا طومار عفت» به عنوان یکی از مهمترین آثاری که در دوره پهلوی اول در دفاع از حجاب و مقابله با کشف حجاب نگاشته شده است به شرح مبارزات این عالم گیلانی و چگونگی برخورد حکومت با وی پرداخته است. ناصر عظیمی (۱۳۹۹) در کتاب «تاریخ گیلان» که در قالب پنج جلد منتشر گردیده است در جلد دوم اشاره گذرایی به واقعه کشف حجاب در گیلان و واکنش علما و مردم گیلان به آن داشته است.

۳-۳ موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری کرسی ترویجی بطور واضح و روشن بیان شود.

نتایج برخی از پژوهش‌های مشابه که با هدف توصیف واکنش جامعه گیلانی نسبت به قانون کشف حجاب صورت پذیرفته حاکی از فراهم بودن بستر و زمینه پذیرش عمومی جهت رواج بی‌حجابی و عدم مقاومت مردم گیلان در برابر این قانون است. نتایج این پژوهش، یافته‌های پژوهش پناهی و حنیفه (۱۴۰۱) مبنی بر عدم مقاومت چشمگیر مردم گیلان در برابر قانون کشف حجاب را تأیید نمی‌کند. چرا که به نظر می‌رسد این دست از پژوهش‌ها بدون توجه به دیگر مستندات و شواهد تاریخی و صرفاً با اتکا بر برخی گزارش‌های دولتی به ویژه گزارش حکومت وقت گیلان به دولت مرکزی که اغلب با هدف بیان توفیقات نماینده حکومت در گیلان و و طوالتش در زمینه ترویج طرح دولت در زمینه کشف حجاب در گیلان تهیه گردیده به نتایجی دست یافتند که با واقعیت‌های تاریخی و چگونگی واکنش مردم گیلان در برابر سیاست فرهنگی دولت پهلوی قابلیت تطابق ندارد. از جمله دیگر نقدهایی که به پژوهش‌های قبلی وارد است آن است که این دست پژوهش‌ها از توجه به اسناد مربوط به کشف حجاب در دوره پهلوی دوم غفلت ورزیدند. حال آنکه بخش قابل توجهی از اسناد این دوره گویای این حقیقت است که پس از شهریور ۱۳۲۰ و به موازات رهایی جامعه از شرایط خفقان دوره رضاشاه، واکنش‌ها به کشف حجاب در فضایی نسبتاً آزادتر در مقایسه با فضای خفقان حکومت رضاشاه، از سوی مردم مطرح و پیگیری می‌شد و رواج استفاده از چادر و حجاب در اغلب مناطق ایران از جمله گیلان در این دوره و تصریح دولت به شکست و ناکامی سیاست اجبار پهلوی در زمینه کشف حجاب نشان می‌دهد مردم و جامعه ایرانی علی‌رغم همه فشارها و اجبار حکومت پهلوی پذیرای قانون کشف حجاب نبوده و در این زمینه مقاومت نشان دادند.

با نگاهی بر آثار و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه درخواهیم یافت که تاکنون اثر مستقلی در باب چگونگی واکنش مردم گیلان در برابر اجرای قانون کشف حجاب انجام نشده است و عمده آثار به صورت جسته و گریخته با تمرکز بر تعداد محدودی از اسناد دوره پهلوی اول و عدم بررسی اسناد سالهای آغازین پهلوی دوم، به بررسی موضوع کشف حجاب در گیلان پرداختند. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا ضمن توجه به اسناد مربوط به کشف حجاب در دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم تصویر نسبتاً روشنی از چگونگی واکنش مردم گیلان در برابر قانون کشف حجاب ارائه شود.

۳-۴ فرایند: فرایندی که در آن محتوای علمی حاصل شده است، شرح داده شود.

این مطالعه یک پژوهش توصیفی تحلیلی است که در آن تلاش می‌شود تا استفاده از منابع تاریخی و مطالعه اسناد مرتبط با موضوع کشف حجاب در گیلان چگونگی واکنش مردم گیلان در برابر اجرای قانون متحدالشکل شدن لباس و کشف حجاب مورد بررسی قرار گیرد. از حیث زمانی و تاریخی، اسناد مربوط به دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم در نقطه تمرکز این پژوهش است و از حیث مکانی اسناد مربوط به همه شهرهای گیلان مورد مطالعه قرار گرفته است.

بررسی اسناد و گزارش‌ها از ایستادگی علما در برابر سیاست کشف حجاب رضاخانی حکایت میکند. علمای گیلان از چند سال پیش از صدور فرمان عمومی کشف حجاب، در مواجهه با مطالبی که گاه در برخی مطبوعات علیه حجاب انعکاس می‌یافت، سکوت نکرده و اعتراض خود را به حکومت اعلام می‌داشتند. درج برخی اشعار با مضامین کشف حجاب زنان در شماره ۸ روزنامه «البرز» رشت در سال ۱۳۰۷، واکنش برخی از علمای گیلان از جمله شیخ حسین لاکانی را به دنبال داشت و آنان خواستار توقیف روزنامه شدند (سازمان ملی اسناد ایران، شماره سند ۱۹۲۱۳/۳۱۰).

یکی از شاخص‌ترین علمای گیلانی که در این زمینه نقش چشمگیری داشته، آیت‌الله شیخ یوسف جیلانی بود. وی چند سال پیش از ابلاغ قانون کشف حجاب و در سال ۱۳۰۷ با تألیف کتابی تحت عنوان «وسیله العفایف یا طومار عفت»، ضمن بیان ویژگی‌های مثبت حجاب زنان، مسئله کشف حجاب را به نقد کشید. وی پس از مدتی به فومن تبعید شد و تا سالها تحت نظر بود (شمس گیلانی، ۱۳۲۷: ۱۱۰). در اوضاع خفقان سیاسی دوره رضاخان که غالباً کسی حق کوچکترین اعتراضی را نداشت، علمای شاخصی چون آیت‌الله



باسمه تعالی

نجفی جیلانی، آیت الله رسولی، شیخ محمد واعظ، شیخ علی علم الهدی فومنی، سید حسن بحر العلوم و بسیاری از علمای دیگر در گیلان به مقابله با کشف حجاب پرداختند.

گزارشهای متعددی از همین دوره حاکی از آن است که در فومنات و شفت نیز اعتراضاتی در مقابله با کشف حجاب شکل گرفته است. در برخی از اسناد این دوره گزارش شده که افرادی مانند حاج سید حسین مغیثی فومنی (مقیسی)، آقا سید ابوالقاسم و سید جلال در فومنات و شفت اقداماتی در جهت جلوگیری از پیشرفت امر رفع حجاب در این منطقه انجام داده‌اند. از میان این سه تن، نام سید حسین مغیثی و اقدامات تحریک‌آمیز این روحانی بیشتر در اسناد ذکر شده است. (تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸: ۳۳۳).

با توجه به ممنوعیت استفاده زنان از حجاب، مأموران شهربانی مانع از تردد زنان با چادر سیاه و یا چادر نماز در خیابانها و فضاهای عمومی می‌شدند و با اعمال زور و فشار، چادر از سر زنان بر می‌داشتند و آن را پاره می‌کردند و یا بخشی از این چادرها توسط مأموران شهربانی جمع‌آوری و ضبط می‌گردید. برخی از اسناد وزارت عدلیه نشان می‌دهد از زمان شروع قانون کشف حجاب تا نیمه اول سال ۱۳۱۷ تعداد تقریباً ۱۴ هزار چادر سیاه و چادر نماز توقیف شده در شهربانی گیلان موجود بوده که صاحبان آن معلوم نبوده و به دلیل مندرس بودن و غیر قابل استفاده بودن این چادرها، خواسته شده تا اجازه سوزاندن و نابودکردن آن‌ها توسط مرجع ذیصلاح صادر شود. (سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۸/۸۲۳۳۵)

یکی از اسناد تاریخی نشان می‌دهد، حدود دو سال پس از صدور فرمان کشف حجاب، زنان بسیاری در گیلان با حجاب در فضاهای عمومی رفت و آمد می‌کردند. با توجه به ارسال گزارش‌هایی از سوی برخی منابع به تهران مبنی بر استفاده خانم‌های گیلانی از چادر، این مسئله موجب نگرانی حکومت مرکزی شده و در این زمینه مکاتباتی میان وزارت کشور و حکومت گیلان و طولانش انجام می‌شود. (سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۳/۱۰۸)

پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین، رضاشاه از قدرت خلع گردیده و فرزندش به سلطنت رسید. اقدامات خشونت‌آمیز ریاست شهربانی گیلان در سالهای آغازین این دوره و برخورد توهین‌آمیز مأموران با زنان چادری و محجبه، موجب شد تا جمعی از مردم رشت عرض‌حالی خطاب به سهیلی، نخست‌وزیر وقت نوشته و ضمن بیان شرح حال خود، خواستار رسیدگی حکومت به این وضعیت شوند. نامه اهالی رشت و پیگیری مداوم آیت‌الله کاشانی و مکاتبات رسمی وی با نخست‌وزیر و دیگر مقامات در این دوره حاکی از آن است که موضوع کشف حجاب در گیلان همانند دیگر شهرها و مناطق ایران واکنش مردم را به دنبال داشته و حکومت در این مسیر به دلیل عدم پذیرش این مسئله از سوی مردم گیلان چاره‌ای جز اعمال زور و جبر نداشته است. بنابراین، به نظر می‌رسد، این ادعا که قانون کشف حجاب در گیلان بدون کمترین زحمت، اجرا و مورد پذیرش قرار گرفته با واقعیت‌های تاریخی همخوانی ندارد. وجود روایت‌هایی مبنی بر اعمال خشونت و زور در این دوره نشان می‌دهد رفتارهای مأموران حکومتی و شهربانی در قضیه کشف حجاب به مراتب، شدیدتر و غلیظتر بوده است.

پس از رفتن رضاخان از ایران، در گزارش‌های متعددی به رواج گسترده استفاده از چادرنماز و یا چادر سیاه و در نتیجه شکست قانون کشف حجاب در سراسر کشور اشاره شده است. در بخشنامه‌ای که در تاریخ بهمن ماه ۱۳۲۰ از سوی وزارت کشور خطاب به همه فرمانداری‌ها از جمله گیلان صادر شده، آمده:

«با وجود اینکه متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در تمام کشور عملی شده است، مع ذلک طبق گزارش‌های رسیده از شهرستان‌ها غالباً در کوچه و بازار زن‌ها با چادر و گاهی هم با چادر سیاه دیده می‌شوند» (جعفری، ۱۳۷۱: ۴۰۰)

پیش‌تازی برخی علمای گیلانی در زمینه نشر آثاری با مضامین ترویج حجاب و عفاف و مخالفت با سیاست کشف حجاب، و برخورد خشن حکومت وقت با آنان، سردون اشعاری در نكوهش بی‌حجابی و ستایش حجاب توسط شاعران گیلانی، گزارش‌ها شهربانی گیلان از توقیف و ضبط تعداد بسیار زیادی از چادرهای زنان توسط مأموران حکومتی و صدور دستور جهت سوزاندن آنها، و نیز وجود گزارش‌های از استفاده زنان گیلانی از چادر و روسری در فضاهای عمومی و خیابان‌ها علی‌رغم فشار حکومتی و حجم شکایت‌ها و

اعتراضات عمومی مردم گیلان نسبت به رفتار خشن و توهین آمیز مأموران شهربانی گواهی است بر مقاومت مردم گیلان در برابر قانون کشف حجاب و عدم پذیرش این طرح ناهمساز با فرهنگ و هویت جامعه ایرانی از سوی مردم گیلان.

۴-۵ منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

۱. پناهی، عباس و معصومه حنیفه (۱۴۰۱) کنش‌ها و واکنشهای مردم گیلان در برابر اجرای قانون اتحاد لباس و کشف حجاب (مطالعه موردی شهرهای رشت، لاهیجان و بندر پهلوی ۱۳۰۷-۱۳۲۰)، جستارهای تاریخی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۸۱-۱۰۱.
۲. جعفری، مرتضی (۱۳۷۱). واقعه کشف حجاب: اسناد منتشرنشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۰). رسائل حجابیه: شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب، ج ۱، قم: دلیل ما.
۴. راستگو، محمدسبحان (۱۳۸۷). پیکار شاعرانه در معرکه کشف حجاب، زمانه، ش ۷۵ و ۷۶، صص ۲۷-۳۲.
۵. زندیه، حسن و ماریا اسرافیلیان سلطانی (۱۳۹۹). کشف حجاب در ایالت استرآباد (واکنشها و پیامدها)، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۱، شماره چهار، صص ۳۶-۶۶.
۶. شمس گیلانی، حسن (۱۳۲۷). تاریخ علما و شعرای گیلانی، مختصری از شرح حال رجال گیلان، کتابفروشی و چاپخانه دانش
۷. عبداللهی، میثم (۱۳۹۶). طومار عفت، آیت الله شیخ یوسف جیلانی و مقابله با کشف حجاب رضاخان، فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، سال پانزدهم، شماره ۵۴، صص ۲۲۵ - ۲۶۳.
۸. عظیمی، ناصر (۱۳۹۹). تاریخ گیلان، از برآمدن سردار سپه تا برافتادن رضاشاه، رشت: فرهنگ ایلیا.
۹. کاشانی، محمود (۱۳۸۶). آیت الله کاشانی به روایت اسناد و خاطرات، ج ۲، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۰. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۹). انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (استان گیلان)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی
۱۱. نجفی جیلانی، یوسف (۱۳۴۵ق/۱۳۰۷ش). وسیله العفایف یا طومار عفت، رشت: مطبعه فردوس.